

سبک شناسی سفالهای سبک اردبیل،

«مطالعه موردی سفالهای سبک اردبیل- موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی»

چکیده

منطقه شمال غرب ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و اهمیت خاص خود، وجود فرهنگ‌های مختلف بشری در ادوار گذشته از بیش از تاریخ تا دوران معاصر، نقش مهمی در ارتباطات فرهنگی خاور نزدیک ایفا کرده است. سفال به عنوان یکی از عوامل انتقال مفاهیم، که نتیجه تغییر و تحولات دوران گذشته ظاهر شده و به وسیله اشکال و تزئینات غنی خود، گویاتر از همه‌ی ساخته‌های بشری، مفاهیم هنری هر دوره را بیان می‌کند. تحولات علاوه بر موارد تکنیکی ساخت، نقوش، جنس و رنگ ایجاد شده و میزان خلاقیت هنری صنعتگران بر آثار سفالین مشاهده نمود. هدف از پژوهش حاضر سبک شناسی سفال‌های سبک اردبیل موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی بوده، از این رو نوشتار حاضر به روش مطالعات میدانی- موزه ای (مستندنگاری، عکاسی، طراحی)- توصیفی- تحلیلی (کتابخانه‌ای) است. سفالهای مورد پژوهش جزء اشیاء توقیف شده ای است که به موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی انتقال یافته است. به دلیل بی شمار بودن این نوع اشیاء در موزه‌های سایر و مجموعه-ها قابل تفکیک بودند اما از لحاظ تاریخی و یا موقعیت مکانی مشخص رعایت نشده است، در نتیجه به مطالعات تطبیقی، با سایر نمونه‌های مشابه موجود در موزه ملی، محوطه‌های باستانی ایران و مناطق همجوار پرداخته شده است. مباحث سفال سبک اردبیل یکی از اساسی‌ترین موضوعات سفال شمال غرب ایران است. اغلب این نوع سفالها از طریق حفاری‌های غیر مجاز و قاچاق بدست آمده و نمونه‌های یافت شده از کاوش علمی اندک هستند. سفالها از لحاظ شکل شامل، کوزه - پیاله و آبخوری‌ها، بصورت دهانه شبدری- دسته دار - لوله دار- آبریز- پایه دار-می‌باشند. رنگ اکثرا قرمز- متمایل به نارنجی و رنگ نخودی و تزئینات هندسی شامل نقوش مثلثی، هاشور، تزئینات برجسته دکمه‌ای- و... است. محدوده زمانی سفالهای مورد مطالعه از لحاظ نقش از دوران پیش از تاریخ تا اواخر اشکانی و از لحاظ فرم از اواخر هزاره اول ق.م (عصر آهن III) تا دوران تاریخی (اواخر اشکانی) در نظر گرفته شده است.

کلید واژگان: شمال غرب ایران، سفال سبک اردبیل، موزه بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، باستان شناسی دوره اشکانی.

مقدمه

سفال و سفالگری یکی از هنرهای مهم بشری که گویای نحوه زندگی مردمان بوده؛ که از دوره نوسنگی تا به امروز مورد توجه قرار گرفته است. سفال از جمله اولین هنرهای که به اقتضای نیاز بشر دوران نوسنگی بوجود آمد و بعدها تحول یافت، از جمله روش‌هایی که باستان‌شناسان در تمامی ادوار و در نواحی مختلف برای شناخت تنوع نقوش و کاربرد آن و بررسی دوره‌های تاریخی بهره گرفته اند (فاگان، ۱۳۹۰: ۴۶۷). سرزمین ایران نیز جزء اولین و مهمترین مراکز تولید ظروف سفالی متنوع است. سفال به جهت تولید فراوان و مداوم همیشه با دگرگونیها و نوآوری‌ها در شکل و نقوش همراه بوده است. دگرگونی‌هایی که بخشی از آن فرهنگ در طول زمان به وجود می‌آید و بخش دیگر به علت پیوندهای فرهنگی و اقتصادی با جوامع دور و نزدیک پدیدار می‌شد، از سوی دیگر سفال به دلایل گوناگون، از جمله تولیدی و صادراتی بودن و کاربرد آن در حمل و نقل تجارتي بهترین گونه فرهنگی در شناخت اقوام و جوامع به شمار می‌آید و برای مطالعه ارتباط میان واحدهای مختلف یک فرهنگ منطقه‌ای از یک سو و فرهنگ‌های منطقه‌ای از سوی دیگر اهمیت بسیار زیادی دارد. بنابراین سفال را باید نه تنها از جنبه‌های گوناگون بلکه از دیدگاه‌های متفاوت مورد مطالعه قرار داد (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۹). منطقه شمال غرب ایران که از نظر جغرافیایی شامل استان‌های آذربایجان شرقی - غربی و اردبیل است. شمال غرب ایران بطور مدام با همسایگانی همچون آسیای صغیر، ارمنستان، قفقاز و غیره در ارتباط بوده است. همانطور که مطالعات تاریخی نشان می‌دهد سده ۹ ق.م. همزمان با عصر آهن III با اقوام مختلفی ارتباط داشته است. اقوامی همچون اورارتوها و ماناها در قرن ۹ ق.م. سکاها در قرن ۸ ق.م. آشور حدود ۸۰۲ ق.م. و نهایتاً در سده هفتم ق.م. موطن اصلی مادها بوده است (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). موزه «بقعه شیخ صفي الدين اردبیلی» در استان اردبیل، یک سری اشیاء ارزشمند در ویتیرین‌ها و مخزن دارد، بخشی از اموال موزه، متعلق به اموال توقیفی است که توسط ارگانهای حفاظتی از دست حفران غیر مجاز توقیف شده اند لذا فاقد مکانی مشخص محل کشف بوده و حتی شائبه جعلی بودن برای آنها هم وجود دارد. بیشتر اشیاء موجود تقریباً سالم بوده، و از زیبایی ظاهری بر خوردارند. به گونه ای که می‌توانند زینت بخش ویتیرین موزه‌ها باشند. میان اشیاء این موزه، مجموعه‌ای از ظروف سفالین منقوش زیبا که ما آنها را به نام ظروف سفالین سبک اردبیل می‌شناسیم، وجود دارند که موضوع پژوهش حاضر هستند. دیر زمانی است که نمونه‌های زیادی از آنها را در حفاری‌های غیر مجاز بدست آمده است و در بازارهای حراج خارج از کشور به فروش می‌رسند. سفالهای سبک اردبیل به لحاظ شکل ظاهری شامل تنوع کوزه‌های تک و دو قلو و پیاله‌های منقوش هستند. پژوهشگرانی همچون چارلز برنی (Burney, 1979)، رابرت دایسون (Dyson, 1965)، رومن گیرشمن (Ghirshamn, 1954) و ارنی

هرینک(هرینک، ۱۳۷۶)، شمال غرب (اردبیل و آذربایجان غربی و شرقی)، در مورد سفالهای سبک اردبیل گزارش ارائه داده‌اند.

پرسش و فرضیات: با توجه به اینکه مجموعه سفالهای سبک اردبیل در این پژوهش از کاوش‌های علمی بدست نیامده است، دارای گاهنگاری مطلق نیستند برای مشخص شدن فرهنگی از دوره آغاز تاریخی و تاریخی در منطقه شمال غرب ایران بخصوص اردبیل گاهنگاری نسبی در مورد سفالهای سبک اردبیل انجام گرفته شود. پرسش‌ها و فرضیاتی در این خصوص وجود دارد. سفالهای سبک اردبیل شاخصه سفال آذربایجان در دوران تاریخی(اشکانی)؟ و ادامه دهنده سنت و فرهنگ سفالی درتزیینات، شکل و فرم در پیش از تاریخ و دوران تاریخی است. فرضیات پژوهش بر این اساس استوار است که این نوع سفال تقریباً هم زمان با سفال منقوش مثلثی بوده و شاخص شمال غرب ایران از دوره هخامنشی تا اوایل دوره اشکانی(قرن دوم.ق.م) است. سفالهای منقوش سبک اردبیل شاخصه شمال غرب و آذربایجان است. نمونه‌های آن‌ها را می‌توان در جمهوری آذربایجان، جمهوری نخجوان، آسیای صغیر و ارمنستان مشاهده نمود. تزیینات این نوع سفالها اساساً هندسی از دوره عصر مفرغ و آهن(هزاره اول ق.م) تا دوران اشکانی و از لحاظ شکل و فرم از هزاره اول ق.م. تا دوران تاریخی قابل مشاهده هستند. سفالهای منقوش مثلثی شاخصه سفالهای هزاره اول هستند، در این راستا سفالهای سبک اردبیل ادامه دهنده سفالهای منقوش مثلثی است، اما از لحاظ فرم با همدیگر متفاوت هستند.

روش پژوهش:

پژوهش پیش رو از روش توصیفی- تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و مطالعات میدانی- موزه ای در صدد ارائه گاهنگاری نسبی ۱۶ ظروف سفالین، در موزه‌ی «بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی» مورد مطالعه قرار گرفته است، ۶ عدد ظروف آن در ویتترین موزه قرار داشت و مابقی در مخزن نگهداری می‌شود. پس از مستندنگاری سفالها اعم از عکاسی، طراحی، تهیه شناسنامه مشخصات فنی سفالها، مقایسه تطبیقی با دیگر نمونه سفالها در سایر موزه‌ها و محوطه‌ها مورد بررسی انجام شده است.

پیشینه پژوهش:

نخستین بار چارلز برنی در دهه ۱۹۶۰ میلادی، در کاوش‌های میدانی محوطه باستانی یانیق تپه، این نوع سفالها(سبک اردبیل)، را به اواخر عصر آهن III منتسب کرد(Burney, 1960). رابرت دایسون در سال ۱۹۶۴ میلادی با مجموعه بزرگی از نوع سفال‌های سبک اردبیل که توسط حفاران غیرمجاز در گورستانهای شهرستان اردبیل بدست آمده بود، در یک جمع بندی کلی آنها را با سفالهای سبک آثار حسنلوی I، و از لحاظ نقوش بیشتر آنها را به حسنلوی III A که تکامل دهنده سبک سفالهای منقوش مثلثی است مرتبط

می‌داند. همچنین از لحاظ بازه زمانی به دوران هخامنشی تا اشکانی تاریخ گذاری کرده است (Dyson, 1964)، رومن گیرشمن نیز در معرفی آثار ایرانی به این نکته اشاره کرده است (گیرشمن، ۱۳۶۸). ارنی هرینک با بررسی و مقایسه سفال سبک اردبیل، با سفالهای به دست آمده از مینگه چائور در جمهوری آذربایجان، ارمنستان، آسیای صغیر، شمال غرب ایران، و گرمی در استان اردبیل تاریخ آن را به دوره هخامنشی تا اواخر اشکانی نسبت داده است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۴۵). همانطور که قبلا ذکر شد اکثر سفالهای منقوش سبک اردبیل از حفاری‌های غیر مجاز به دست آمده‌اند و هیچ گونه استدلال دقیق علمی برای تاریخگذاری‌های انجام شده نیست. تنها در کاوش‌های علمی گورستانهای گرمی که توسط کامبخش فرد انجام شد. سفالهایی سبک اردبیل را براساس سکه‌های بدست آمده از این قبور به دوره اشکانی نسبت داد (کامبخش فرد، ۱۳۷۷)، همچنین مطالعاتی که صدیقه پیران بر روی سفالهای سبک اردبیل موزه ملی انجام داده‌اند. گاهنگاری نسبی و مطلق سفالهای سبک اردبیل، در بازه زمانی اواخر عصر آهن III تا اواخر دوره اشکانی است (پیران، ۱۳۸۲: ۱۷). نمونه سفالهای منقوش سبک اردبیل و سفالهای مثلی را می‌توان در بررسی‌های میدانی محوطه قلعه قوناق قیران مربوط به دوران هخامنشی (ولدبیگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵)، محوطه‌های همچون قلعه بوینی یوغون در شهرستان نیر (پورفرج، ۱۳۹۶)، دشت بناب (کاظم نژند اصل، ۱۳۹۵)، یانیق تپه (Burney, 1960) و... می‌توان اشاره کرد.

استان آذربایجان

آذربایجان منطقه‌ای کوهستانی (آذربایجان غربی و شرقی)، از دیر باز محل مواصلاتی تمدن‌هایی شکل گرفته و هم کانون تبادلات تجاری و فرهنگی بوده است. آذربایجان پلی ارتباطی ما بین بین النهرین و سرزمین آناتولی و مناطق ماورای قفقاز و هند است (فیض خواه و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶). سرزمین آذربایجان بخش اعظم فلات ایران، که محدوده دره سند و جیحون، کوههای زاگرس و قفقاز را در بر گرفته است، آتروپاتگان (آذربایجان) بخش شمال آن را تشکیل می‌دهد. شرایط جغرافیایی آذربایجان در اوایل دوران سوم زمین شناسی در نتیجه دگرگونی‌های عظیم در حرکات کوه زایی و چینش زمین و فعالیت‌های آتشفشانی، چهره جغرافیایی آذربایجان شکل نهایی خود را شکل داده است (درویش زاده، ۱۳۷۰: ۶۵۹). موقعیت جغرافیایی آذربایجان تاثیر گذار در استقرارهای ادوار تاریخی این منطقه داشته است (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۸۷)، در هزاره اول ق.م. جزئی از ماد بزرگ بوده و از این منطقه اختصارا به عنوان ماد کوچک یاد کرده‌اند. زمان حکومت آتروپات سردار ایرانی در آذربایجان، استقلال خاصی آغاز می‌شود، و بیشتر ارتباطات فرهنگی آن با همسایگان شمالی و غربی محدود می‌شود (ذیاکونوف، ۱۳۸۶: ۸۵۹)، در پی آن بسیاری از سنتها و فرهنگهای پیشین در کنار تحولات روز نه تنها به عمر خود ادامه داده، بلکه گاهی با آنها ممزوج گشته و شکل جدیدی از هنر را به وجود آورد که مختص این سرزمین و تا حدودی ملل همجوار گردید (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۰). منطقه آذربایجان بعنوان یکی از ایالات مهم در ادوار حکومتی تابع آن دولت می‌شد و هرزگاهی که

یک حکومت مرکزی واحد و نیرومند در میان نبود با نظام ملوک الطوائفی منطقه استقلال داخلی پیدا می‌کرد تشکیل دولت ماد در مرحله اول و استقرار و تشکیل ناحیه ای آتروپات در آذربایجان در مرحله دوم، از عوامل تاریخ ساز آذربایجان در دوران پیش از اسلام به شمار می‌روند (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۱۱۴). دوران اسلامی از آغاز قرن پنجم هجری با ورود ترکان سلجوقیان به آذربایجان و نواحی مجاور قفقاز تغییر و تحولاتی بوجود آمد. آذربایجان مرکز شاهنشاهی بزرگی (پایتخت مراغه و تبریز) و قسمت‌های وسیعی از آسیا را در بر گرفت. سپس در دوران صفویان، زندیان و قاجار مهم‌ترین بخش‌های تاریخی آذربایجان بشمار می‌آیند (شعبانی، ۱۳۷۷: ۲۷).

سفالهای سبک اردبیل:

سفال سبک اردبیل سفال منقوشی است که ارنی هرینک برای اولین بار این نام را بر آن نهاده است. این سفالها پوشش گلی کرم یا بژ دارند و با نقوش خشن بزرگ تزئین و نقاشی شده اند تزئینات اساساً هندسی هستند. نقوش اصلی آنها شامل مثلثهای ساده، هاشور زده با توپر نقوش بادبانی، لوزیهای هاشور زده و خطوط موازی است. همچنین بر روی بعضی از سفالها می‌توان نقوش حیوانات مسبک به ویژه پرندگان و بز کوهی را مشاهده کرد. رنگ نقوش اغلب مات و به رنگهای قرمز روشن، قرمز نارنجی یا قهوه ای تیره است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۴۲ و ۱۴۶). سفال سبک اردبیل توسط چارلز برنی در یانیق تپه به اواخر عصر آهن III تاریخ گذاری شده است. این گاهنگاری توسط ارنی هرینک تصحیح گردیده و آن را از سده ۶-۵ ق.م. تا سده ۲ ق.م. تاریخ گذاری کرده است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۰). پیران (۱۳۸۲: ۲۰) پیران با استناد به نتایج آزمایش ترمولومینسانس نمونه سفالهای سبک اردبیل بر روی چهار نمونه ظروف سفالین توقیفی و دو نمونه قطعه سفال از محوطه باستانی قلعه ضحاک و یا نیق تپه تاریخی بین بازه زمانی ۱۷۳۰-۱۷۸۰ م. که مصادف با اواخر دوره اشکانی است تاریخگذاری نمود. همچنین بر اساس گاهنگاری نسبی نمونه سفالهای مشابه سبک اردبیل در سرعین که همراه با سفال دو رنگ (Bichorom) تاریخ آنها به اواخر سده دوم میلادی بر می‌گردد، همچنین طبق داده‌های مشابه محوطه باستانی قلعه ضحاک دوره اواخر اشکانی این تاریخگذاری را تایید کرد (پیران، ۱۳۸۲: ۱۲۸). هرینک: شکل ظروف سبک اردبیل را به دو دسته پیاله ها و کوزه ها تقسیم کرده است و این تنها تقسیم بندی کلی است و تاکنون در مورد سفالهای سبک اردبیل انجام شده است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۵). محدوده و گسترش سفال سبک اردبیل بر اساس کاوشهای تجارتي و قاجاق از قبور واقع در استان اردبیل و بررسی‌های دایسون (Dyson, 1965: ۲۰۵) رومن گیرشمن (Ghirshman, 1966: ۹۴)، کاوش‌های چارلز برنی در سالهای (۱۹۶۰-۱۹۶۲)، یانیق تپه، بررسی‌های ارنی هرینک در گارنی واقع در ارمنستان و مینگه چائور در ماوراء قفقاز (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۴۵) و کاوشهای گورستان گرمی واقع در استان اردبیل توسط کامبخش فرد، شامل اطراف رود کورا از

شمال انتهایی لبه شرقی استان اردبیل از شرق و حدود یانیق تپه را محدوده جنوبی آن دانست (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۴۷). از آنجاییکه تنها منابع موجود برای بررسی سفالهای سبک اردبیل در این سالها از مجموعه‌های قاچاق است جهت بررسی آنها به نمونه‌هایی از این مجموعه‌ها در موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی پرداخته شده است. مجموعه مذکور از مجموعه‌های قاچاق توقیف شده در دهه ۱۳۷۰ ه.ش، در استان اردبیل و طی سالیان متمادی در مخزن موزه بوده و تعداد ۶ عدد، از مجموعه (۱۶ عددی) آن در ویرین‌های موزه به نمایش گذاشته شده است. با توجه به شرایط دستیابی مجموعه سفالهای مورد مطالعه، نامعلوم بودن مکان اصلی آنها، و سالیان متمادی در مخزن موزه نگهداری شده است. نتیجه محوریت کار پژوهشی خود را بر اساس گاهنگاری نسبی و نمونه‌های آن که در موزه ملی ایران و سایر مناطق همجوار و استان آذربایجان می‌باشد قرار داده شده است.

تقسیم بندی ظروف بر اساس شکلها:

۱- کوزه ها، ۲- پیاله ها(کاسه ها)، ۳- آبخوری ها،

۱- کوزه ها: تعداد کوزه‌ها در سایز متوسط و کوچک ۱۲ عدد است. می‌توان کوزه‌ها را به چند دسته تقسیم بندی نمود. ۱- کوزه دسته دار و لوله عمودی دهانه شبدری-۲- کوزه با دو دسته در طرفین شبیه جانوری «بز»-۳- کوزه‌های با گردن باریک و بدنه گرد - ۴- کوزه های بدون دسته و بدنه گرد -

هرینک این نوع کوزه‌ها را با نمونه‌های مشابه به دست آمده از جمهوری آذربایجان قابل مقایسه می‌داند، وی تاریخ آنها را به هزاره دوم ق م. منسوب کرده است و طرحهای مشابه آنها را در تخت سلیمان و نیز در لابه IV حسنلو می‌توان جستجو کرد (هرینک ۱۳۷۶: ۱۴۶).

کوزه ها دارای تزیینات دکمه‌ای و اغلب آنها پایه دار (آبریز در کف ظرف «ظروف دو لوله ای شناخته شده اند». و جنبه آیینی را دارند. یک کوزه با دو دسته به شکل بز که پاهای آنها به شانه و گردن ظرف چسبیده است، شاخ‌های آن به طرف لبه خم و به آن متصل است و به صورت قرینه در طرفین لبه ظرف قرار گرفته‌اند، لوله آبریز در کفه کروی ظرف به صورت برجسته تعبیه شده است به طور کلی این حیوانات بیشتر بز یا اسب هستند (هرینک ۱۳۷۶: ۱۴۷)، (نمونه این کوزه‌ها را می‌توان در مجموعه سفالهای سبک اردبیل موزه ملی مشاهده نمود). قدیمترین نمونه این شکل کوزه طبق نظر اسپیسر (۱۹۳۳، E.A... Spei ser) از لایه III تل پیلا پیدا شده و شبیه ظروف خابور است به عصر مفرغ جدید حدود (۱۳۰۰-۱۶۰۰ ق م). تاریخ گذاری می‌شود، به نظر هرینک تاریخ این ظرف می‌تواند به دوره بعد هخامنشی، اشکانی مربوط شود علت آن را هم شباهت با نمونه‌های پیدا شده از پاسارگاد و بگرام متعلق به دوره هخامنشی - اشکانی می‌داند، نمونه‌های دیگری از این نوع را هرینک از تل ماغوز وتل شاملو جهت مقایسه معرفی نموده است

(Haerinck,1980)

۲- پیاله ها(کاسه‌ها): تعداد پیاله ها در این مجموع ۲ عدد است. دهانه گشاد، بدنه زاویه دار، تقریباً عمیق با نقوش هندسی(هاشوری) در سطح درونی و بیرونی ظرف،

۳- آبخوری ها: ۲ عدد آبخوری، بدون دسته (ارتفاع حدود ۱۷ سانتی متر و قطر دهانه حدوداً ۱۲ سانتی متر)، با کف تخت و بدنه تقریباً استوانه‌ای را می توان به عنوان نمونه جدید معرفی نمود.

ویژگیهای تکنیک و نقش‌ها:

طیف رنگ مجموعه سفالها، آجری، آجری روشن و نخودی هستند. با نقوش‌های اکثراً هندسی و بعضی‌ها دارای نقوش حیوانی و نقش‌های، در ترسیم نقش‌ها بعضی‌ها دقت لازم برخوردار بوده و بعضی‌ها بدون تلاشی برای دقیق بودن ترسیم شده است. خمیره اکثراً رنگ آجری و دارای شاموت‌شن، و اندکی شن درشت، ماسه بادی می‌باشد. نوع ساخت آنها چرخ ساز است که بعضی‌ها با دور چرخ کند ساخته شده است. رنگ نقوش، قرمز- اخرايي، نقش مایه‌ها اغلب هندسی و شامل مثلث‌های ساده، هاشور زده یا توپر، نقوش بادبزی، جناغی، لوزی‌های تو پر، ستاره، و بر روی آنها نقوش حیوانی است.

نمونه ها :

۱- کوزه‌ای با گردن باریک و بدنه‌ای کروی شکل، کف صاف و بدون دسته که قسمت لبه شکسته و ناقص است. روی بدنه ظرف دارای نقوش هندسی به شکل زیگزاکی و هاشوری دورتا دور در دو کادر زیر هم نقش شده است. خمیره به رنگ آجری با پوشش به رنگ نخودی، رنگ نقوش اخرايي، شاموت‌شن و چرخساز دور کند است. وضعیت شی دارای رسوب گرفتگی شدید که نقش روی ظرف به خوبی دیده نمی شود(تصویر ۱).



تصویر ۱: کوزه ای گردن باریک، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۲- کوزه دسته دار عمودی با گردن باریک و بدنه تقریباً بیضی شکل و کشیده و کف محدب، بدون نقش، چرخ ساز، خمیره به رنگ آجری، با پوشش به رنگ آجری روشن، است. وضعیت شی کامل و سالم است (تصویر ۲).



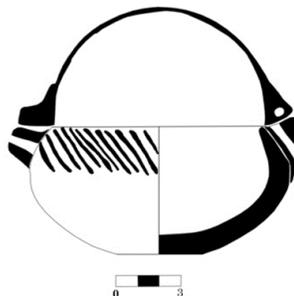
تصویر ۲: کوزه دسته دار با گردن باریک، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۳- کوزه بدون دسته - بدنه کروی شکل، لبه ظرف شکسته و ناقص می باشد. در قسمت داخلی ظرف دارای نقوش هندسی مثلثی شکل، قسمت بیرونی ظرف روی بدنه نقوش مثلثی هاشور خورده و یک ردیف مثلث های در داخل کادری دورتادور ظرف کشیده شده است. چرخ ساز، شاموت شن و خمیره به رنگ آجری، پوشش به رنگ نخودی، نقوش با گل اخرا-است. وضعیت شی ناسالم و ناقص و دارای رسوب گرفتگی و سائیدگی باعث شده نقش بطور کامل دیده نشود (تصویر ۳).



تصویر ۳: کوزه بدون دسته - بدنه کروی، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۴- پیاله کوچک کم عمق دسته دار - کف تخت، با لوله آبریز کوچک، لبه دارای یک افزوده کوچک بصورت دسته سوراخ کوچکی روی آن تعبیه شده است و یک لوله کوچک بعنوان آبریز است. روی سطح بیرونی لبه دارای نقوش هندسی بصورت هاشور زده با رنگ اخرا دیده می شود. چرخ ساز، شاموت شن، خمیره به رنگ آجری و با پوشش رنگ آجری روشن، وضعیت شی سالم و کامل است (تصویر ۴).



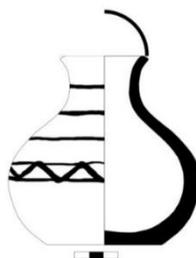
تصویر ۴: پیاله کم عمق دسته دار، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۵- پیاله (کاسه) عمیق با دهانه گشاد، سطح درونی ظرف قسمت لبه دور تا دور دارای نقوش هندسی هاشور خورده و در کف درونی ظرف دارای نقش یه شکل بیضی درون آن نقوش هندسی هاشور خورده و بصورت نامنظم و ناشیانه با رنگ اخرا نقاشی شده است. چرخ ساز- دور کند، شاموت - شن، خمیره - آجری، با پوشش به رنگ آجری است. وضعیت شی سالم و کامل، اما دارای رسوب گرفتگی است (تصویر ۵).



تصویر ۵: پیاله (کاسه) عمیق با دهانه گشاد، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۶- کوزه ای با گردن باریک، بدون دسته، بدنه کروی و کف تخت، سطح بیرونی ظرف از زیر گردن تا بدنه دور تا دور ظرف در ۳ ردیف خطوط افقی توپر کشیده شده است، قسمت پایین یک کادر که درون آن نقوش مثلی تو خالی به حالت زیگزاکی دور تا دور بدنه ظرف با رنگ اخرا کشیده شده است. چرخ ساز- دور کند، شاموت- شن، خمیره - آجری، با پوشش به رنگ آجری روشن است. وضعیت شی سالم و قسمت های از لبه دارای پریدگی است (تصویر ۶).



تصویر ۶: کوزه ای با گردن باریک بدون دسته، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۷- کوزه دسته دار با دهانه شبدری، بدنه تقریباً کروی، و دسته بصورت الحاقی به لبه و بدنه افزوده شده است. ظرف ساده و بدون نقش، چرخ ساز، شاموت شن، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ نخودی است. وضعیت شی قسمتی از لبه شکسته و ناقص است و قسمت های از آن دارای رسوب گرفتگی است (تصویر ۷).



تصویر ۷: کوزه دسته دار با دهانه شبدری، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۸- کوزه دسته دار- به صورت الحاقی افزوده شده است. با دهانه گلابی شکل، بدنه تقریباً کروی و کف تخت، دارای نقوش افزوده دکمه ای روی سطح بیرونی لبه، نقوش هندسی بصورت مثلثی و هاشور خورده در سطح بیرونی ظرف از زیر لبه تا ابتدای بدنه با رنگ اخرا نقاشی شده است و روی دسته نقوش هندسی بصورت هاشوری دیده می شود. تکنیک این نقوش کنده می باشد. سطح درونی لبه ظرف دارای نقوش هندسی هاشوری دور تا دور لبه کشیده شده است. چرخ ساز با دور کند، شاموت- شن، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ نخودی است. ظرف کامل و سالم است. این نمونه ظرف را می توان در سفالهای کاوش گرمی مشاهده نمود (تصویر ۸).



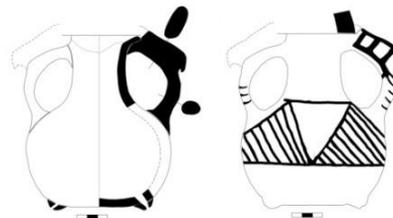
تصویر ۸: کوزه دسته دار با دهانه گلابی، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۹- کوزه دسته دار با دهانه شبدری، دسته به صورت الحاقی به بدنه افزوده شده است. بدنه کروی و کف تخت است. نقوش در سطح بیرونی لبه و بدنه ظرف بصورت هندسی دو خطوط توپر دورتادور ظرف با رنگ اخرا- کشیده شده است. چرخ ساز با دور کند، شاموت- شن، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ نخودی است. وضعیت شی سالم و کامل است (تصویر ۹).



تصویر ۹: کوزه دسته دار با دهانه شبدری، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

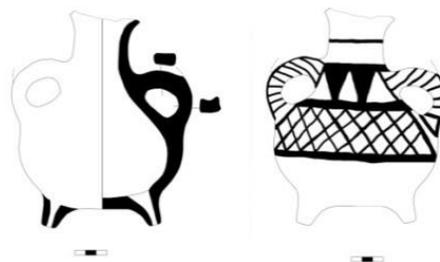
۱۰- کوزه دسته دار- دارای دو دسته در دو طرف لبه ظرف، و یک آبریز روی یکی از دسته‌ها تعبیه شده است. شکل آبریز «حیوانی» و دو آبریز دیگر بصورت لوله ای در دو طرف کف وجود دارد و ایستایی ظرف براساس این دو آبریز است. نقوش در سطح بیرونی ظرف روی بدنه بصورت مثلث های هاشور خورده و تو خالی دور تا دور ظرف با رنگ اخرا کشیده شده است. چرخ ساز، شاموت شن، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ نخودی است. وضعیت شی ناسالم، قسمتی از دسته شکسته و لبه های ظرف دارای شکستگی و ناقص می باشد (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰: کوزه دسته دار، آبریزدار، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

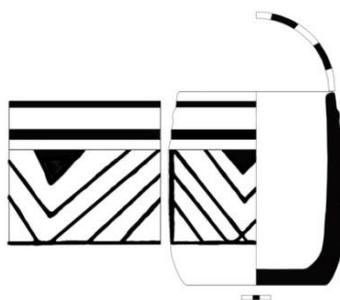
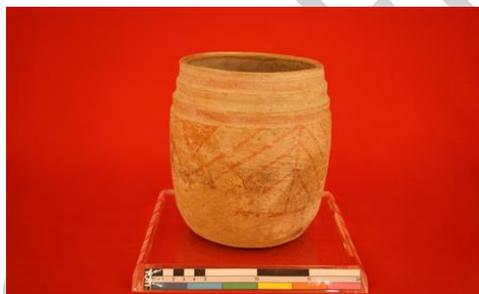
۱۱- کوزه کوچک دسته دار با گردن باریک، دو آبریز لوله ای در دو طرف کف، ایستایی ظرف بر اساس این دو آبریز است. نقوش هندسی از زیر گردن شروع می شود تا بدنه آن ادامه دارد. نقوش بصورت مثلث های توپر بر روی گردن ظرف و یک کادر بصورت مثلث های متقاطع و غیر متقاطع و تو خالی با رنگ اخرا کشیده شده است. روی دسته های دو طرف ظرف نقوش هندسی بصورت

هاشور خورده دیده می شود. چرخ ساز، شاموت - شن، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ آجری است. وضعیت شی سالم و کامل، اما دارای رسوب گرفتگی است(تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱: کوزه کوچک دسته دار، گردن باریک، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۱۲- آبخوری بدون دسته و با بدنه استوانه ای شکل و کف تخت، سطح بیرونی ظرف دارای نقوش هندسی، لبه ظرف دارای خطوط بصورت کنده دورتادور ظرف، و بدنه دارای نقوش هندسی جناغی توپر و تو خالی با رنگ اخرای کشیده شده است. چرخ ساز با دور کند، شاموت- شن درشت، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ نخودی است. وضعیت شی سالم و کامل، قسمت های دارای رسوب گرفتگی است(تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: آبخوری بدون دسته ، بدنه استوانه ای، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۱۳- آبخوری بدون دسته و با بدنه استوانه ای شکل و کف تخت، سطح بیرونی ظرف دارای نقوش هندسی، لبه ظرف دارای خطوط بصورت کنده دورتادور ظرف، و بدنه دارای نقوش هندسی جناغی توپر و تو خالی با رنگ اخرای کشیده شده است. چرخ ساز با دور

کند، شاموت- شن درشت، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ نخودی است. وضعیت شی سالم و کامل، قسمت های دارای رسوب گرفتگی و سائیدگی باعث شده نقش آن بخوبی دیده نشود(تصویر۱۳).



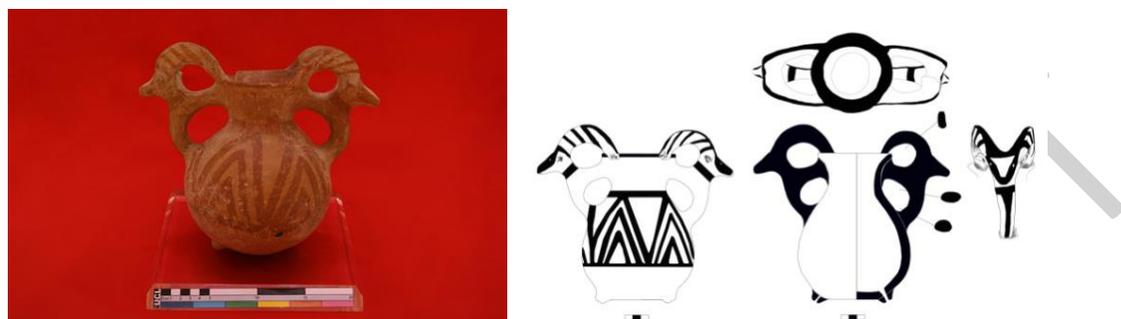
تصویر ۱۳: آبخوری بدون دسته، بدنه استوانه ای، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۱۴- کوزه دسته دار با لوله آبریز عمودی که بوسیله یک پل کوچک به لبه متصل است. بدنه کروی و کف تخت، است. روی لوله و دسته نقوش دگمه ای بصورت افزوده دیده می شود. نقوش هندسی در سطح درونی لبه بصورت هندسی هاشور خورده دورتادور لبه نقاشی شده است و سطح بیرونی ظرف در بدنه یک ردیف مثلث های توپر دورتادور با رنگ اخرا کشیده شده است. چرخ ساز با دور کند، شاموت- شن، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ آجری است. وضعیت شی، لبه دارای شکستگی و ناقص است(تصویر۱۴).



تصویر ۱۴: کوزه دسته دار با آبریز عمودی، (موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۱۵- کوزه ای با دو آبریز لوله ای در دو سوی کف ظرف و دو دسته به شکل بز در طرفین لبه ظرف که پاهای جلوی آنها به لبه و پاهای عقب به شانه متصل است. سرهای آنها پشت به لبه ظرف و بصورت قرینه هم قرار گرفته است. نقوش هندسی در سطح بیرونی ظرف شامل مثلث های تو خالی حالت جناغی با رنگ اخرائی کشیده شده است. چرخ ساز، شاموت- شن، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ آجری است. وضعیت شی سالم و کامل است(تصویر۱۵).



تصویر ۱۵: کوزه ای با دو آبریز لوله ای، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

۱۶- کوزه بزرگ دارای یک دسته و لوله آبریز کوچک با دهانه شبدری، بدنه کروی و کف تخت، نقوش در سطح بیرونی ظرف روی بدنه بصورت هندسی و اشکال نامشخص با رنگ اخراپی کشیده شده است. چرخ ساز دور کند، شاموت- شن، خمیره- آجری، با پوشش به رنگ نخودی است. وضعیت شی سالم و کامل، قسمت های دارای رسوب گرفتگی است (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶: کوزه ای دارای دسته و آبریز دهانه شبدری، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

بررسی سفالهای شمال غرب از لحاظ نقش و فرم:

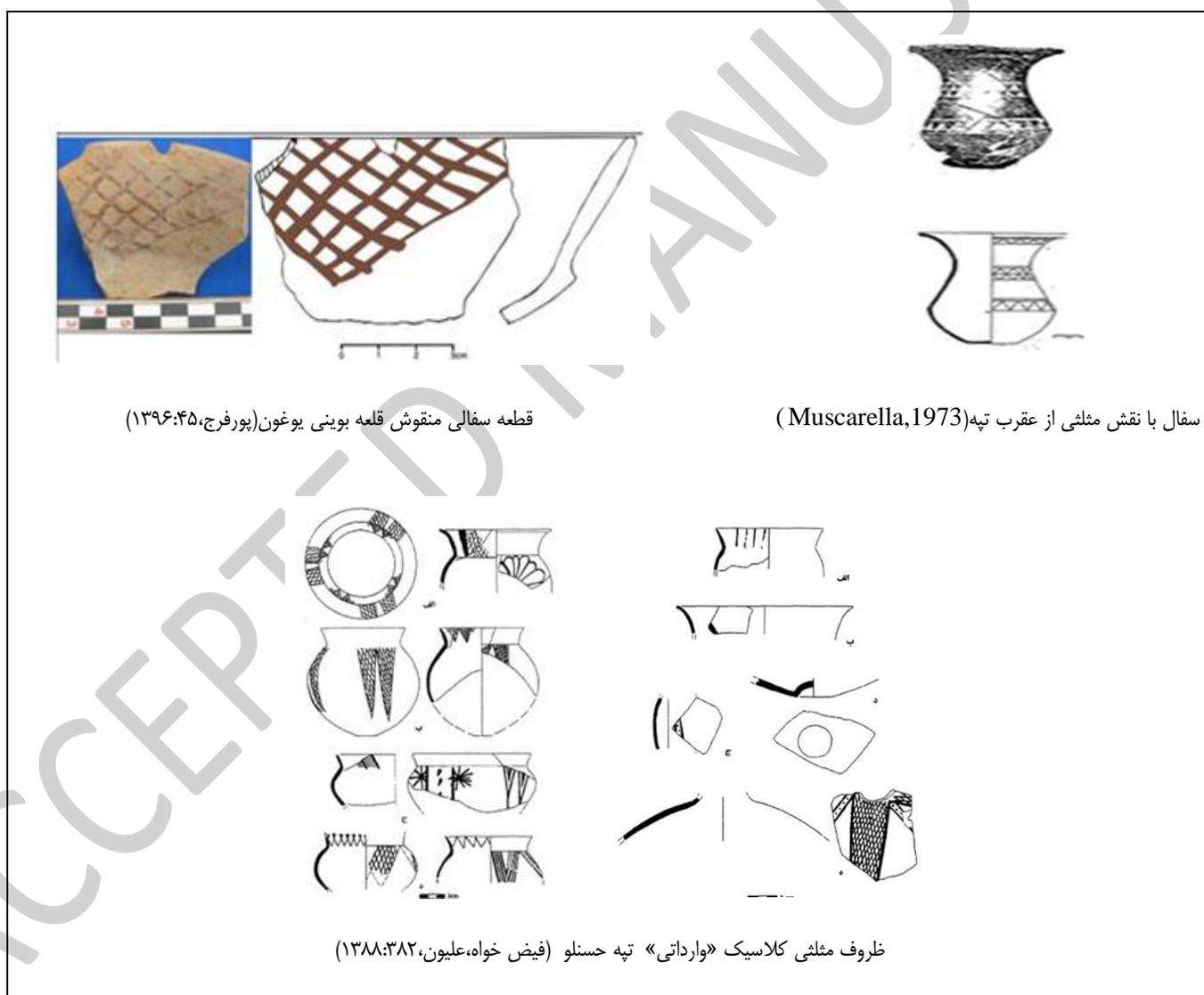
منطقه شمال غرب ایران، از بازه زمانی هزاره اول ق.م. نقش مهمی در تحولات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران با سرزمین های همجوار ایفا کرده است. تغییر و تحولات سنت های سفالی در شمال غرب ایران و وجود سنت سفال های بومی در بازه زمانی اواخر عصر هزاره اول ق.م (عصر آهن III)، این منطقه تا دوران اشکانیان، دوران ناشناخته منطقه شمال غرب فلات ایران است. مجموعه سنت سفالی متعلق به دوران آهن III در شمال غرب ایران (حدود ۷۵۰-۶۰۰ ق.م.)، سفال های متنوع در نقش و فرم که بازتابی از تمایلات ذاتی مردم آن دوران است را منعکس می کند. سنت سفال منقوش و نحوه پراکندگی آن در محوطه های مختلف در این منطقه قابل مطالعه است. سنت های سفالی منقوش براساس دو سبک سفالی اردبیل و مثلثی برای این دوره بازه زمانی در منطقه تعریف شده

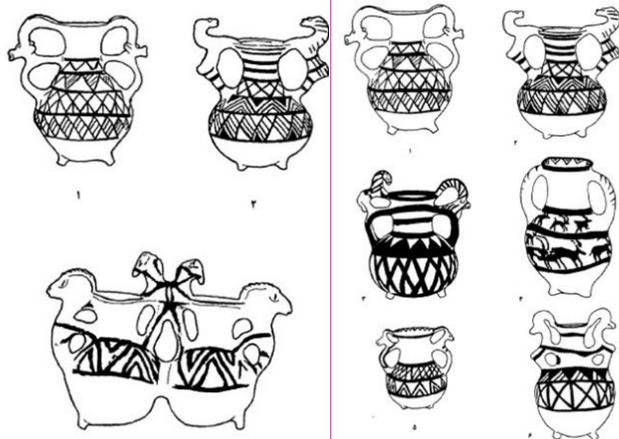
است. اواخر هزاره اول ق.م. با تشکیل حکومت‌های محلی و بومی تا شکل‌گیری امپراطوری‌های قدرتمند همچون هخامنشیان در برگیرنده تحولات سیاسی و اجتماعی است.

لوین با توجه به تغییر و تحولات منطقه شمال غرب و عدم شناخت حکومت‌ها در اواخر عصر آهن تا اشکانیان دوره عصر آهن IV به تقسیم بندی ادوار عصر آهن اضافه کرد (لوین، ۱۳۸۶: ۴۷۶). شروع سفالهای منقوش در شمال غرب ایران دوره کاملاً متمایز از سنت‌های سفالی موجود در ادوار آهن قدیم و میانه است، از جمله سفالهای شاخص عصر آهن III، ظروف مثلثی است که دایسون برای توصیف سفالهای منقوش، برای اولین بار حسنلو III B را به کار برد (Dyson, 1958)، و محوطه‌های زیویه (Dyson, 1963, 1965)، یانیق تپه (Burny, 1962) نقش عمده‌ای داشته است. این سفالها در محوطه‌های باستانی اندک است، اما رواج آنها در گاهنگاری محوطه‌های باستانی شمال غرب، به ویژگی‌های تکراری مشخص رنگ، شاموت، فرم و نقوش اشاره دارد (Henrickson, 1994: 115)، شاخص ظروف مثلثی: طرح های متنوع منقوش (دالبری - مثلثی - حلقه های آویزان - طرح دایره - قطره ای - نقش پرندگان و ...). ظروف: زاویه دار - کم عمق یا گود - لبه های با ضخامت کم - و در برخی موارد به صورت فرم لاله ای. پراکندگی منطقه جغرافیایی: عمدتاً در بخش های جنوب، غرب و شمال غرب آذربایجان - ارمنستان - شمال کردستان و شرق ترکیه است (فیض خواه، ۱۳۸۸: ۲۸۷). ظروف منقوش، دسته به شکل حیوانی بر روی دو پا ی خود ایستاده، رنگ دارای پوشش نخودی با رنگ کرمی و رنگ نقوش قهوه ای مایل به قرمز، نقوش مثلث های ساده، توپر با متقاطع، خطوط موازی و با تزیینات توپر یا هاشور خورده، و برخی از آنها نیز مزین به ردیفی از نقش گوزنها یا بزهای در حال تاخت، موقعیت نقش بیشتر در شانه ظرف با قسمت بالایی بدنه است. نظر به اینکه این گونه ظروف از کاوش‌های علمی به دست نیامده اند لذا فاقد تاریخ گذاری دقیقی می‌باشند. اما با توجه به نتایج کاوش‌های باستان شناسی در جمهوری آذربایجان و نیز وجود تعداد اندکی از نمونه‌های مشابه در محوطه‌های باستانی ایران که این ظروف در آنها شاخصه سفال دوره هخامنشی یا اوایل دوره اشکانی هستند، می‌توان قدمت آنها را به همین محدوده زمانی منتسب کرد (Haerinck, 1978: 35, 36) (جدول ۱). دایسون در بازنگری حسنلو III و تطبیق ظروف سفالی منقوش مثلثی در شمال غرب با مناطق شرقی حکومت هخامنشیان دو سبک سفالی منقوش، سبک مثلثی غربی (Dyson, 1999)، و ارنی هرینک کوزه‌ها و ظروف منقوش موزه‌های مختلف که برگرفته از منطقه جغرافیای اردبیل کشف شده را سبک اردبیل دانسته است (Henrick, 1978)، در تقسیم بندی سفالهای که تحت عنوان دوران پیش از اشکانی که توسط هرینک ارائه شده است محوطه یانیق تپه با توجه به اینکه هر دو گونه سفال مثلثی غربی و سبک اردبیل مشاهده شده است، هرینک این محوطه را محل تلاقی پراکنش این نوع سفالها قلمداد می‌کند (هرینک، ۱۳۷۶). اما وجود این نوع سفالها در محوطه باستانی یانیق تپه از درون پیت

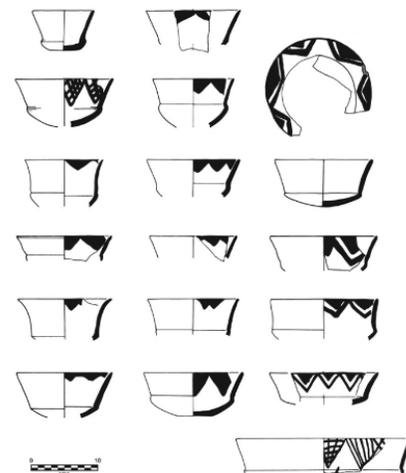
(چاله زباله‌ای) بوده و از لایه‌نگاری این محوطه بدست نیامده است، در نتیجه مدرکی دال بر تطور و تلاقی این دو سبک مثلثی و سبک اردبیل وجود ندارد (Sumers&Burney, 2012, Burney, 1962). با پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی شمال غرب ایران از جمله ادامه کاوش‌های حسنلو (خطیب شهیدی، ۱۳۸۳، Kroll, 2012)، محوطه کول تپه هادی شهر جلفا (خطیب شهیدی و عابدی، ۱۳۹۰)، قلعه ضحاک هشترود (قندگر و همکاران، ۱۳۸۳)، قلعه بونی یوغون نیر (پورفرج، ۱۳۹۶)، بررسی‌های دشت بناب (صدرایی، ۱۳۸۴)، بررسی قلعه قوناق قیران (ولدبیگی و همکاران، ۱۳۹۳)، بررسی باستان‌شناختی شرق دریاچه ارومیه (عمرانی، ۱۳۷۲، آجورلو، ۱۳۸۶، ابراهیمی، ۱۳۹۱) و... وضعیت فرهنگ‌های سفالی را از عصر آهن تا اشکانی را تا حدودی روشن کرده است.

جدول ۱: نمونه سفالهای شمال غرب ایران





ظروف دولوله ای مکشوفه از آذربایجان، (فیض خواه، ۱۳۸۸)



ظروف زاویه دار محوطه یانیق تپه (Summers 2013)

نمونه سفالهای سبک اردبیل مورد مقایسه

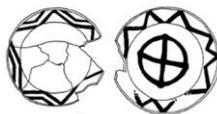
مجموعه ظروف سبک اردبیل موزه ملی ایران، تعدادی از مجموعه قاچاق است «مجموعه توقیفی فروغی، مرز بازرگان»، در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی توقیف شده و در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی با ساماندهی آنها تحت نظارت اداره میراث فرهنگی استان تهران و موزه ملی ایران کارشناسی گردیدند، و چند نمونه از قطعه سفالهای از کاوش‌های قلعه ضحاک در آذربایجان شرقی، و کاوش یانیق تپه توسط چارلز برنی در سال ۱۹۶۰م. موجود است (Burney, 1960). صدیقه پیران شکل ظروف این مجموعه ها را به ۳ دسته تقسیم می‌کند-۱- کوزه‌ها، ۲- پیاله‌ها، ۳- لیوان‌ها (پیران، ۱۳۸۲: ۶۲). تکنیک سفال‌های مجموعه، دارای پوشش گلی کرم یا صورتی هستند با نقوش بزرگی که تلاشی برای دقیق بودن در ترسیم آنها صورت نگرفته است. در برخی از آنها اثر ابزار هموار کننده پوشش گلی بر سطح سفال هویدا است رنگ نقوش، مات و به رنگهای اخراپی، قهوه ای تیره و روشن، قرمز متمایل به نارنجی است، رنگ خمیره آنها اغلب آجری، نارنجی، صورتی، دارای شاموت ماسه ریز - ماسه ترم با دانه های سفید احتمالا گچ و پخت کافی بوده است، این ظروف جزء ظروف نیمه خشن - نیمه ظریف قرار می‌گیرند. نقش مایه‌ها اغلب هندسی، شامل مثلثهای ساده، هاشور زده با توپر، نقوش باد بزنی، جناغی لوزی‌های توپر و بر روی بعضی از آنان نقوش پرندگان بز، گوزن، سگ، انسان، درخت به شکل مسبک و گردونه خورشید دیده می‌شود. نقوش بز، گوزن، سگ، انسان و گردونه خورشید روی این ظرف شبیه نقوش سنگ نگاره‌ها و نگار کندهای غارهای شمال غرب ایران همچون نگار کندهایی در استان اردبیل در مناطق آق مراد، مشیران، شکیلی داش، قلعه قهقهه و گناخ قیران است (پیران، ۱۳۸۲: ۶۳-۶۵). نمونه‌های مشابه ظروف سفالی سبک اردبیل موزه ملی ایران با مجموعه سفالهای این دوره

موزه باستان شناسی بقع شیخ صفی الدین اردبیلی و سایر مناطق همجوار در طرح فرم و نقش: کوزه‌های بزرگ دسته‌دار و آبریز تقریباً عمودی با دهانه شبدری یا به شکل پرنده، دارای نقوش هندسی (تصویر ۱ و ۲ و ۳ و ۴). آبخوری بدون دسته و با بدنه استوانه‌ای شکل و کف تخت، سطح بیرونی ظرف دارای نقوش هندسی، لبه ظرف دارای خطوط بصورت کنده دور تا دور ظرف، و بدنه دارای نقوش هندسی جناغی توپر و تو خالی با رنگ اخرازی (تصویر ۵ و ۶). کوزه ای با دو آبریز لوله‌ای در دو سوی کف ظرف و دو دسته به شکل بز در طرفین لبه ظرف که پاهای جلوی آنها به لبه و پاهای عقب به شانه متصل است. سرهای آنها پشت به لبه ظرف و بصورت قرینه هم قرار گرفته است. نقوش هندسی در سطح بیرونی ظرف شامل مثلث‌های تو خالی حالت جناغی با رنگ اخرازی کشیده شده است (تصویر ۷ و ۸ و ۹).





تصویر ۵: آبخوری بدون دسته، بدنه استوانه ای، موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)



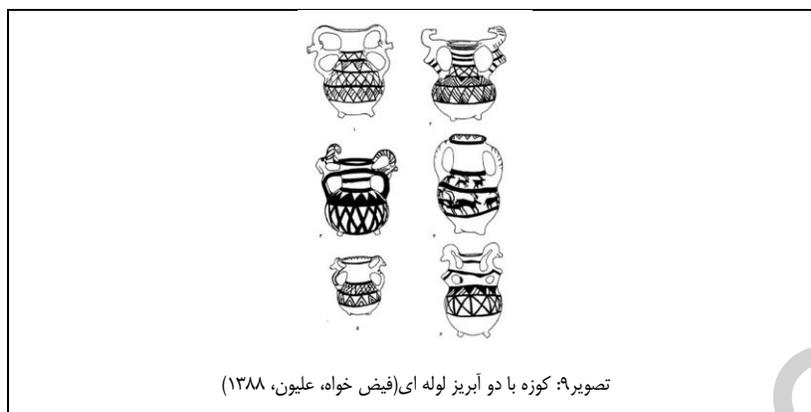
تصویر ۶: آبخوری مکشوفه از جونیو آذربایجان (de Morgan.j: 1896)



تصویر ۷: کوزه ای با دو آبریز لوله‌ای موزه باستان شناسی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (نگارندگان، ۱۳۹۷)



تصویر ۸: کوزه ای با دو آبریز لوله‌ای موزه آرشیو موزه ملی ایران، ۱۳۹۷.



نتیجه گیری:

منطقه شمال غرب ایران در هزاره اول پ.م. بیانگر ارتباطات فرهنگی - سیاسی با سرزمین‌های همجوار است، با توجه به شرایط جغرافیایی - اقلیمی آب و هوایی خاص استقرارهای متوالی در ادوار مختلف تشکیل شده است، در این بین به طور مدام با سرزمین‌های همچون آسیای صغیر، ارمنستان، قفقاز و غیره در ارتباط بوده است. همانطور که مطالعات تاریخی نشان می‌دهد ساکنان این منطقه در سده ۹ ق.م. همزمان با عصر آهن III با اقوام مختلفی تاثیر عیدیه‌ای داشته است. اقوامی همچون اورارتوها و ماناها، سکاها، آشور و نهایتاً که در سده هفتم ق.م موطن اصلی مادها بوده است. نابر مطالعات تاریخی ساکنان منطقه شمال غرب ایران در نیمه اول هزاره اول ق.م تاثیر و تاثرات فرهنگی و اجتماعی بیشتر با اقوام ساکن در این منطقه بوده است تا اینکه در سده هفتم ق.م این سرزمین تحت تسلط مادها قرار گرفت. پژوهشی که روی سفالهای سبک اردبیل موزه باستان شناسی، بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی انجام گرفت. ظروف دارای گردن باریک و دسته دار - لوله دار دهانه شبدری - بدون دسته - فن ساخت چرخ ساز (چرخ کند)، شاموت شن - (و بعضی ها ماسه بادی)، خمیره آجری / نخودی - پوشش نخودی / آجری و... دارای نقوش هندسی - مثلث‌های توپر، و تو خالی، نقوش بادبزی، جناغی، لوزی‌های تو پر، ستاره، و بر روی آنها نقوش حیوانی است. کاربری ظروف‌ها می‌توان به دو دسته تقسیم بندی نمود. دسته اول شامل کوزه‌ها و پیاله‌ها کاربرد معیشتی دارند و ظروف دسته دوم. کوزه‌ها ی که دو لوله‌ای و تک لوله‌ای، کاربرد آیینی را دارند. نمونه سفالهای این دوره را می‌توان در کاوش‌های باستان شناسی مناطق شمال غرب ایران و جمهوری آذربایجان و ارمنستان مشاهده نمود.

سفالهای بصورت یک رنگ با عنوان سبک اردبیل که همزمان با شروع سبک سفال منقوش مثلثی آغاز شده و شاخصه سبک سفالی شمال غرب ایران از دوره هخامنشی تا اوایل دوره اشکانی است دارای نقوش هندسی (مثلث-های آویزان، هاشور، نردبانی، لوزی و خطوط موازی است.

سفالهای سبک اردبیل و ظروف مثلثی بصورت گونه‌های متفاوت در یک بازه زمانی هستند که هر کدام به محدوده مکانی متفاوتی تعلق دارند. ظروف اردبیل شاخصه مناطق شمال شرق و غرب آذربایجان است. ظروف مثلثی در نواحی جنوب، غرب و شمال غرب آذربایجان، ارمنستان، شرق ترکیه و شمال کردستان دیده می‌شود. ظروف مثلثی و سایر ظروف تکامل یافته از این ظروف (بشقاب-های کم عمق با لبه های برگشته، کاسه‌هایی با فرم های زاویه دار یا نسبتاً زاویه دار، تنگ‌هایی با دسته عمودی و آبریز عمودی برگ شبدری و ریتون- آمفوراها تک لوله ای و دو لوله ای)، اندکی قبل تر از ظروف سفالی سبک اردبیل ساخته شده اند و به نظر می رسد سفالهای منقوش سبک اردبیل از بازه زمانی اواخر هزاره اول ق.م. - هخامنشی شروع و ساخت آن تا بازه زمانی اشکانیان (اوایل اشکانی - سده دوم ق.م.)، ادامه داشته است و تأثیر و تأثیرات بر گرفته از این دو سبک بر همدیگر کاملاً مشهود است.

منابع:

- ابراهیمی، قادر، ۱۳۹۱، بررسی و روند شکل گیری استقرارگاه های کوهستانی عصر آهن در شرق ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران.
- آجور لو، بهرام، ۱۳۸۶، فرایند نوسنگی شدن آذربایجان، پایان نامه دکتری باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران.
- پیران، صدیقه، ۱۳۸۲. «گاهنگاری مطلق و نسبی سفالهای سبک اردبیل موزه ملی ایران»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مدرس.
- پیرنیا، حسن، ۱۳۷۰، ایران باستان، تهران، دنیای کتاب.
- پورفرج، اکبر؛ ۱۳۹۶ «تبیین و گاهنگاری فرهنگ های هزاره اول ق.م. در شهرستان نیر اردبیل»؛ مطالعات باستان شناسی ایران؛ سال ۹؛ شماره ۱؛ صص ۱۸-۱.
- خطیب شهیدی، حمید، ۱۳۸۳، پژوهش های جدید در حسنلو و بازنگری لایه‌های فوقانی آن، مجموعه مقالات همایش بین المللی باستان شناسی ایران، حوزه شمال غرب، به کوشش مسعود آذرنوش، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۸۰-۷۱.
- خطیب شهیدی، حمید، عابدی، اکبر، ۱۳۹۰، گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش محوطه کول تپه هادی شهر، آرشو سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی آذربایجان شرقی،
- درویش زاده، علی، ۱۳۷۰، زمین شناسی ایران، تبریز، نیا
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ، ۱۳۸۶، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ اول، تهران، علمی فرهنگی.

- شعبانی، راه، ۱۳۷۷، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره افشاریه و زندیه، چاپ هفتم، تهران، سمت.
- صدراپی، علی، ۱۳۸۴، گزارش مقدماتی بررسی باستان شناسی منطقه بناب، چاپ اول، تهران، گنجینه هنر.
- طالایی، حسن، ۱۳۸۷، عصر آهن ایران، تهران، سمت.
- عمرانی، بهروز، ۱۳۷۲، بررسی باستان شناسی شرق دریاچه ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- فاگان، برایان، ۱۳۹۰، سرآغاز؛ درآمدی بر باستانشناسی (اصول، مبانی و روشها). مترجم غلامعلی شاملو، تهران، سمت.
- فیض خواه، محمد، علیون، صمد، ۱۳۸۸، باستان شناسی آذربایجان «از دوره اورارتو تا شروع اشکانی»: تالیف گروه مولفین، تبریز؛ اختر، قندگر، جواد، اسماعیلی حسین، و محمد رحمت پور، ۱۳۸۳، کاوش باستان شناختی قلعه اژدهاک هشتگرد، مجموعه مقالات همایش بین المللی باستان شناسی ایران، حوزه شمال غرب، به کوشش مسعود آذرنوش، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۲۲۸-۱۹۳.
- کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۷، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، چاپ پنجم، تهران، دنیای کتاب.
- کامبخش فرد، سیف الله، ۱۳۷۷، گورخمره های اشکانی، چاپ اول، تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی.
- کاظم نژند اصل، حسین، نقشینه، امیر صادق، ۱۳۹۵، «ارزیابی سفال های نخودی استقرارهای دشت بناب در عصر آهن III»، همایش ملی باستان شناسی و هنر سفال و سفالگری، صص ۱۳۷۰-۱۳۶۰.
- گیرشمن، رمان، ۱۳۶۸، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ هفتم، تهران؛ علمی و فرهنگی
- لوین، لوئی، ۱۳۸۶، عصر آهن، باستان شناسی غرب ایران، به کوشش فرانک هول، ترجمه زهرا بایستی، تهران، سمت.
- مجیدزاده، یوسف؛ ۱۳۷۰، «باستان شناسی و سفال» باستان شناسی و تاریخ، شماره پیاپی ۱۰ صص ۱۳-۴.
- ولدبیگی، ثروت، ده پهلوان؛ مصطفی، رضالو؛ رضا، ۱۳۹۳، «شمال غرب ایران در دوره هخامنشی در پرتو یافته های باستان شناختی قلعه قوناق قیران»؛ پیام و باستان شناسی، سال یازدهم، شماره ۲۱، صص ۱۹-۱.
- ولایتی، رحیم، میرزایی، سعید، خانعلی، حمید، ۱۳۹۶، «تبیین جایگاه فرهنگ های دوره مفرغ میانی و جدید در شمال غرب ایران؛ مطالعه موردی سفال های سبک ارومیه و خابور»؛ پژوهش های باستان شناسی ایران؛ شماره ۱۳؛ دوره هفتم.
- هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه، حمیده چوبک، چاپ اول، تهران؛ سازمان میراث فرهنگی کشور.
-
-
- Bahşaliyev, V., 1997, Nahçıvan Arkeolojisi, Arkeoloji ve Sanat Yayınları, İstanbul.
- Burney, C.A: The Excavation at Yanik Tepe, Azarbaijan, 1962: Third Preliminary Report”Iraq: vol.26, 1964, pp.54-61.
- Burney, C.A. Meshkinshahr Survey, in Iran, 1979, pp.155-156.

- Burney, C. A., 1962, *The Excavations at Yanik Tepe Azerbaijan 1961, Second Preliminary Report*, *Iraq* 24 (2): 134-152.
- Dyson, R.H. 1965. Problems of protohistoric Iran as seen from Hasanlu. *Journal of Near Eastern Studies*, 24.193-217
- 1965. Problems in the Relative chronology of Iran, 6000- 2000 B.C. in *Chronologies in old world Archaeology*, Chicago
- 1963 "Archaeological Scrap Glimpses History at Ziwiye", *Expedition* 5 (3): 32-37.
- 1999, "Triangle-Festoon Ware Reconsidered", *Iranica Antiqua* 34: 115-144.
- Kroll, S. 2012 "On the Road(s) to Nowhere: A Re Analysis of the Hasanlu Tripartite Road System in Light of the Excavated Evidence", in: H.D. Baker, K. Kaniuth, and A. Otto (eds.), *Stories of Long Ago, Festschrift für Michael D. Roaf*, AOAT 397, Ugarit Verlag Münster: 277-284.
- Haerinck, E.: 1978, "Painted pottery of the Ardebil style in Azerbaydjan" *Iranica Antiqua*, vol.13, pp.75-91.
-: 1980, "Twinspouted vessels and their Distribution in the Near East from the Achaemenian to the Sasanian Periods" *Iran*: vol. xviii, pp.43-54
- Hamlin, Carol: 1975, "the early second millennium ceramic assemblage of Dinkhah Tape" *Iran*, vol, Xiii, PP.111-127,
- Muscarella, o, w.: 1968 "Excavations at Dinkhah Tape, 1966", *Bull.M.M.A.*
- , 1973, "Excavations at Agrab Tepe" *M. MJ*: vol.8, pp.47-76
- Ozguch, T.: 1971, *Kultepe and Its vicinity in the Iron AGE*, Turk, Ankara.
-
- Summers, G. D. and Burney, C. A., 2012 "Late Iron Age Pottery from Northwestern Iran: The Evidence from Yanik Tepe", *Ancient Near Eastern Studies, Supplement 39, Anatolian Iron Ages 7, The Proceedings of the Seventh Anatolian Iron Ages, Colloquium Held at Edirne*, Edited by Altan Çilingiroğlu and Antonio Sagona, 19–24 April 2010, Paris, Peeters, 2012: 269-315.
- , Ghirshman, R., 1954. *Memoires de la Mission Archeologique en Iran. XXXVI. Village perse Achemenide Paris.*